باب هفتم - در عده ای از موارد مصرح به نسخ و تغییرات نسبت بأدیان سابقه

حضرت بهاءالله, حضرت عبدالبهاء

اصلی فارسی



### لوح رقم (111) امر و خلق – جلد 4

## ١١١ - در عدّه‌ای از موارد مصرّح به نسخ و تغییرات نسبت بأدیان سابقه

در لوحی است قوله الحقّ : " چون در مذاهب نظر به مقتضیات وقت حکم جهاد و محو کتب و نهی از معاشرت و مصاحبت با ملل و همچنین نهی از قرائت بعضی از کتب محقّق و ثابت لذا در این ظهور اعظم و نبأ عظیم مواهب و الطاف الهی احاطه نمود و امر مبرم از افق ارادهٴ مالک قدم بر آنچه ذکر شد نازل "

و قوله الاعلی : " این ظهور ظهور رحمت کبری و عنایت عظمی است چه که حکم جهاد را از کتاب محو نموده و منع کرده و بمعاشرت با جمیع ادیان بروح و ریحان امر فرموده آن جناب دیده و میدانند آنچه از قلم اعلی در زبر و الواح نازل شده فساد و نزاع و جدال ممنوع و همچنین امر نمودیم بقرائت کتب قوم جمیع این امور عنایتی است بزرگ از برای عباد چه که از قبل ممنوع بودند و بجهاد مأمور استعمال لباس اجنبیّه و ملاحظهٴ کتب آن قوم از قبل ممنوع و آثار منع در کتب موجود و مشهود ولکن در این ظهور اعظم سدّ منع برداشته شد و بجای آن حرّیت عطا و عنایت گشت ان شاء اللّه آن جناب بفتح مدائن قلوب بروح و ریحان مؤیّد شوند و بانتشار آثار بحکمة و بیان موفّق انه یمدّک بجنود البیان انّه علی کلّ شی قدیر "

در کتاب اقدس است قوله الاعلی : " قد اذن اللّه لمن اراد أن یتعلّم الالسن المختلفة لیبلّغ امر اللّه شرق الارض و غربها و یذکره بین الدّول و الملل علی شأن تنجذب به الأفئدة و یحیی به کلّ عظم رمیم "

و قوله : " یا ملأ الارض سارعوا الی مرضات اللّه و جاهدوا حقّ الجهاد فی اظهار امره المبرم المتین قد قدّرنا الجهاد فی سبیل اللّه بجنود الحکمة و البیان و بالاخلاق و الاعمال کذلک قضی الامر من لدن قویّ قدیر لیس الفخر لمن یفسد فی الارض بعد اصلاحها اتّقوا اللّه یا قوم و لا تکوننّ من الظّالمین "

و در رسالهٴ مدنیّه از حضرت عبدالبهاء است قوله العزیز : " ترویج دین الهی بکمالات انسانیّه و اخلاق حسنه و شیم مرضیّه و روش و حرکت روحانیّه است اگر نفسی بصرافت فطرت اقبال الی اللّه نماید مقبول درگاه احدیّت بوده چه که این نفس از اغراض شخصیّه و طمع منافع آتیه مبرّا و بصون حمایت حق التجا نموده بصفت امانت و صداقت و پرهیزگاری و حقوق پروری و همّت و وفا و دیانت و تقی بین خلق ظاهر گردد و مقصود اصلی از انزال شرایع مقدّسه سمائیه که سعادت اخروی و تمدّن دنیوی و تهذیب اخلاق باشد حاصل گردد و الّا بضرب سیف بظاهر مقبل و در باطن مغلّ و مدبر گردند "

و قوله الاعلی : " قد عفی اللّه عنکم ما نزّل فی البیان من محو الکتب و اذنّاکم بأن تقرؤوا من العلوم ما ینفعکم لا ما ینتهی الی المجادلة فی الکلام هذا خیر لکم ان انتم من العارفین "

و قوله الاعلی : " بشارت اوّل حکم محو جهاد است ...... بشارت دوّم : اذن داده شد احزاب عالم با یکدیگر بروح و ریحان معاشرت نمایند عاشروا یا قوم مع الادیان کلّها بالرّوح و الرّیحان "

و قوله الاعلی : " بشارت دهم حکم محو کتب را از زبر و الواح برداشتیم فضلاً من لدی اللّه مبعث هذا النّبا العظیم "

و قوله الاعلی : " از قراری که استماع شد بعضی الواح ناریّهٴ آن مشرک باللّه را ( میرزا یحیی ازل ) حبّا للّه سوخته‌اند اگر چه این فعل من غیر اذن واقع شده لکن چون حبّاً للّه بوده عفا اللّه عمّا سلف ولکن ابداً محبوب نیست عند اللّه که کلمات احدی محو شود"

و در کتاب اقدس است قوله عزّ و علا : " و کذلک رفع اللّه حکم دون الطّهارة عن کلّ الاشیاء و عن ملل اخری موهبة من اللّه انّه لهو الغفور الکریم قد انغمست الاشیاء فی بحر الطّهاره فی اوّل الرّضوان اذ تجلیّنا علی من فی الاکوان "
و در سورة الهیکل قوله الاعلی : " قل یا ملأ الرّهبان لا تعتکفوا فی الکنائس و المعابد ان اخرجوا باذنی ثمّ اشتغلوا بما تنتفع به انفسکم و انفس العباد کذلک یأمرکم مالک یوم الدّین ان اعتکفوا فی حصن حبّی هذا حقّ الاعتکاف لو انتم من العارفین من جاور البیت انّه کالمیّت ینبغی للانسان ان یظهر منه ما ینتفع به الاکوان و الّذی لیس له ثمر ینبغی للنّار کذلک یعظکم ربّکم انّه لهو العزیز الحکیم تزوّجوا لیقوم بعدکم احد مقامکم انّا منعناکم عن الخیانة لا عمّا تظهر به الامانة و اخذتم اصول انفسکم و نبذتم اصول اللّه ورائکم اتّقوا اللّه و لا تکونوا من الجاهلین لولا الانسان من یذکرنی فی ارضی و کیف تظهر صفاتی و اسمائی تفکّروا و لا تکونوا من الذّین احتجبوا و کانوا من الرّاقدین انّ الّذی ما تزوّج ما وجد مقرّاً لیسکن فیه او یضه رأسه علیه بما اکتسبت ایدی الخائنین لیس تقدیس نفسه بما عرفتم و عندکم من الاوهام بل بما عندنا ان اسألوا لتعرفوا مقامه الّذی کان مقدّساً عن ظنون من علی الارض کلّها طوبی للعارفین "

و در لوح اشراقات است قوله الاعلی : " اینکه سؤال از منافع و ربح ذهب و فضّه شده بود چند سنهٴ قبل مخصوص اسم اللّه زین المقرّبین علیه بهاء اللّه الأبهی این بیان از ملکوت رحمن ظاهر قوله تعالی : اکثری از ناس محتاج باین فقره مشاهده میشوند چه اگر ربحی در میان نباشد امور معوّق و معطّل خواهد ماند اگر نفسی موفّق شود با همجنس خود و یا هم وطن خود و یا برادر خود مدارا نماید "
و در کتاب اقدس است قوله جلّ و عزّ : " عاشروا مع الادیان بالرّوح و الرّیحان لیجدوا منکم عرف الرّحمن ایّاکم اَنْ تأخذکم حمیّة الجاهلیّة بین البریّة کلّ بدء من اللّه و یعود الیه انّه لمبدء الخلق و مرجع العالمین "

و قوله المتعالی : " قد نهاکم اللّه عمّا عملتم بعد طلقات ثلاث فضلاً من عنده لتکونوا من الشّاکرین "

و قوله الاعزّ : " قد رفعنا عنکم حکم صلوة الآیات "

و قوله المنیع : " حرّم علیکم السّؤال فی البیان عفا اللّه عن ذلک لِتسألوُا ما تَحْتاجُ به اَنْفُسُکم لا ما تَکَلَّم به رجالٌ قبلکم اتّقوا اللّه و کونوا من المتّقین اسألوا ما ینفعکم فی امر اللّه و سلطانه قَدْ فُتِحَ بابُ الفضل علی مَنْ فی السّموات و الارضین

و قوله الاعلی : " قَدْ کَتَبَ اللّهُ علی کُلِّ نفسٍ أَنْ یَحْضُرَ لَدَی الْعَرْش بِما عِندَهُ مِمّا لا عِدْلَ لَه انّا عَفَوْنا ذلک عنکم فضلاً من لدنّا انّه هو المعطی الکریم "

و قوله الاعلی : " من یحزن احداً فله ان ینفق تسعة عشر مثقالاً من الذّهب هذا ما حکم به مولی العالمین انّه قد عفا ذلک عنکم و یوصیکم بالبرّ و التّقوی "
و قوله الحقّ : " قد رَفَعَ اللّهُ ما حَکَمَ به البیانُ فی تحدید الاسفار انّه لهو المختار یفعل ما یشاء و یحکم ما یرید "

و قوله الأرفع : " قد اذن اللّه لکم السّجود علی کلّ شئ طاهر و رفعنا عنه حکم الحدّ فی الکتاب "

و در کتاب بیان است قوله الاعلی : " فی حرمة التّریاق و المسکرات و الدّواء "

و در کتاب اقدس است قوله الابهی : " اذا مرضتم فارجعوا الی الحذّاق من الاطّباء "